

متن سخنرانی دکتر رویا طلوعی در کنفرانس "ایران راهی به سوی دموکراسی" در ساختمان سنای آمریکا

کشور ایران سرزمینی چند ملیتی با تنوع و غنای فرهنگی فراوان است. علاوه بر مردم فارس زبان ، در این کشور مردمان کورد ، آذری ، لر، عرب، بلوچ، ترکمن و گیلکی زندگی میکنند که در عین همزیستی ، فرهنگ و آداب و رسوم مختلف و متنوعی دارند. ساکنین ایران در واقع مشکل حادی با همدیگر ندارند اما آنچه مشکل ساز است حاکمیت دیکتاتورهای است که برای حفظ حکومتشان ، اختلافات اتنیکی را تقویت نموده و با ایجاد تفرقه بر مردم حکومت میکنند. حکومتهای بشدت تمرکزگرا با نفی هویت سایر ملیتها، به نام یک ملیت بر ایران حکمرانده و بذرتنفر در میان ساکنان ایران میپاشند. توگویی این فارس زبانانند که حق و حقوق دیگران را تضییع کرده و بر سایر ساکنین ایران ستم میکنند! اما در حقیقت بزرگترین ستمی که در 27 سال اخیر بر ملیت فارس در ایران رفته ، حکومت کردن به نام آنان ولی تهی از فرهنگ غنی از احترام و صلح دوستیشان بوده است. هر چند متأسفانه افرادی از مردم فارس زبان در نگارش یا تفکر و بیان خود ، دانسته و ندانسته ، خواسته یا ناخواسته با حکام همصدا شده و تنوعات موجود را نفی یا تحقیر و سرکوب کرده‌اند اما این را هم نباید به پای همه فارس زبانان نوشت.

بقول خانم احمدی خراسانی یکی از تئوریسینهای برجسته و فارس زبان جنبش زنان ، "عده‌ای با در نظر گرفتن یک شعار کلی مثلاً" تمامیت ارضی ، بقیه حرکت‌های دموکراسی خواه را نفی میکنند ". همچنانکه فعالان جنبش زنان در ایران به اتهام همیشگی " از هم پاشیدن خانواده" مواجهند، جنبشهای حق طلبانه ملیتهای ایران نیز با اتهام همیشگی تجزیه طلب دست و پنجه نرم میکنند. این در حالیست که جنبش زنان ، جنبش حق طلبانه ملیتهای ایران، جنبش دانشجویی ، جنبش کارگری و حرکات اعتراضی معلمان و ... همه و همه بخشی از پیکره جنبش دموکراسی خواهی ایرانند . به جرأت میتوانم بگویم که بسیاری از فعالان جنبش پر افتخار زنان ایران واقف و معتقد بر لزوم رفع ستم بر مردم اتنیکیهای مختلفند و به لحاظ ستم‌دیدگی زنان و چشیدن مزه تلخ نفی حقوقشان، درد سایر ساکنین ایران برایشان ملموس و قابل درک است. ستم و تبعیض ناگوار است چه بر زن باشد چه بر ملیتهای دیگر و چه بر اقلیتهای مذهبی و نژادی و غیره. از آنجا که بقول استاد زندانی آقای " رامین جهانگللو" حضور زنان روشنفکر در موج چهارم روشنفکری ایران غیر قابل انکار است ، من به گسترده شدن چنین تفکر ضد تبعیض و ستم در آینده ایران بسیار خوشبینم . نسل جدید روشنفکر ایران اهل گفتگوست بهمین دلیل میتوان با درک متقابل همدیگر ، سؤتفاهمات را زدود و نکات تاریک و ابهام آمیز را روشن ساخت.

اعتراضات مردم کورد در تابستان 2005، اعتراضات مردم خوزستان ، حوادث بلوچستان و اعتراضات اخیر آذربایجان همگی مؤید دردی مشترک و تاریخی است. بر ما ستم میشود ، از حقوق فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی محرومیم. از تبعیض در رنجیم . به زبان مادری نمیتوانیم درس بخوانیم. در اداره سیاسی کشور و مناطق خود سهمی نداریم و و . زنان

ملیتهای مختلف ایران علاوه بر رنجهایی که از تبعیض جنسیتی رسمی و قانونی حاکمیت بر ما تحمیل میشود ، از ستمی که بر ما به عنوان اقلیت های قومی یا مذهبی روا داشته میشود در رنج مضاعفیم . و در مجموع کلیه ساکنان ایران از حاکمیت توتالیتر ایدئولوژیکی در رنجیم که با همه جهانیان سر جنگ دارد و آزادیهای ما را زیر پا نهاده ، حقوق بشر را بارها پایمال کرده و هر مخالفتی را با زندان و شکنجه و اعدام جواب میدهد . این اقلیتی که ما را به گروگان گرفته اند برای حفظ حیات ننگین حکومت ضد بشریشان ، ثروت عظیم کشورمان را بجای صرف کردن برای مردم ، خرج حمایت از تروریسم در اقصی نقاط جهان و تلاش برای ساخت مخفیانه سلاح اتمی در پوشش انرژی صلح آمیز هسته ای نموده و بدینوسیله کشور ما را در مقابله با جهانیان نگهمیدارند . مردم ما که ساکنان فقیر کشوری ثروتمند هستند نیازمند حمایت جهانیان و جامعه بین المللی هستند که یاریشان دهند با روشهای غیر خشونت آمیز و بدون نیاز به جنگ و حمله نظامی و یا تحریم اقتصادی که فقر مردم را تشدید کند ، قادر باشند حکومت فعلی را تغییر داده و حکومتی دموکراتیک بر مبنای اصول حقوق بشر را جایگزین آن سازند . خواست بسیاری از ملیتهای ایران از جمله مردم کورد ، ایرانی دموکراتیک و فدرال است که ساکنین آن با نهایت صلح و صفا و احترام به حقوق همدیگر زندگی مسالمت آمیزی در کنار هم داشته باشند . از آنجا که اکثر فعالان فارس زبان نیز بر لزوم غیر متمرکز بودن حکومت و رعایت کامل پیماننامه حقوق بشر و منضامات و کنوانسیونهای آن تأکید دارند به نظر میرسد فصل مشترکی برای گفتگو و تفاهم فراهم است . امید آنکه جامعه جهانی یاریگر ما برای نیل به دمکراسی باشد .